

انتقاد از تاجرنیا بابت مذاکره با گل محمدی

قمار غلط

در میانه یکی از پرتاله‌ترین مقاطع فصل، استقلال تصمیم گرفت پروژه تغییر روی نیمکت را عملی کند؛ اتفاقی که ماه‌ها دربارش زمزمه می‌شد، سرانجام رخ داد و ریکاردو ساسپینتو کنار رفت. سهراب بختیاری‌زاده از دوشنبه تمرینات را در دست گرفت تا تیم را تا پایان فصل هدایت کند اما آنچه این جابه‌جایی را خاص‌تر کرد، نامی بود که در حاشیه انتخاب سرمربی جدید مطرح شد: یحیی گل محمدی.

عده‌های نجومی، واکنش‌های حساس

علی تاجرنیا در گفت‌وگوی تلویزیونی بدون آنکه نامی ببرد، نشانه‌هایی داد که همه را به سمت یحیی گل محمدی هدایت کرد. او از پیش‌بندی سخن گفت که برای بازی‌های باقیمانده فصل ۵۰ میلیارد تومان و برای سال بعد ۱۵۰ میلیارد تومان مطالبه شده بود. نکته جالب این بود که ظاهراً استقلال با اصل پرداخت مشکل جدی نداشت؛ مساله بر سر شروط و ساختار قرارداد بود. گفته شد مدیران استقلال برای تعدیل احتمالی، قهرمانی در لیگ یا جام حذفی یا حداقل کسب سهمیه آسیایی را به‌عنوان شرط درج کرده‌اند. در مقابل، طرف مذاکره حاضر به پذیرش چنین تعهدی نشده‌است. همین رفت‌وبرگشت‌ها باعث شد گفت‌وگوها به سرانجام نرسد. با این حال، مهم‌تر از عده‌ها، واکنش هواداران ۲ باشگاه بود؛ واکنشی که از همان ابتدا قیاس‌بندی بی‌بسیاری به نظر می‌رسید.

سنجش افکار عمومی

در روزهایی که خبر مذاکره منتشر شد، فضای مجازی به سرعت ملتهب شد. برای هوادار استقلال، پذیرش سرمربی پیشین پرسپولیس ساده نبوده؛ همان‌طور که برای طرفداران پرسپولیس نیز چنین انتقالی قابل هضم به نظر نمی‌رسید. تجربه‌های گذشته، از جمله ماجرای عیسی آل‌کثیر، نشان داده بود جابه‌جایی‌های حساس چه هزینه‌ای دارد. به همین دلیل، ۲ طرف پیش از آنکه به جزئیات فنی فکر کنند، در حال رصد واکنش‌ها بودند. عدم موفقیت احتمالی یحیی گل محمدی در استقلال می‌توانست به اعتبار او لطمه بزند و در عین حال، باشگاه را هم زیر فشار مضاعف ببرد. نتیجه این جمع‌بندی ساده بود: همکاری‌ای که از ابتدا پرریسک بود.

نقل قول جنجالی و پاسخ تند

پس از پایان مذاکرات، یکی از خبرگزاری‌ها جمله‌ای به نقل از یحیی گل محمدی منتشر کرد. با این مضمون که «استقلالی‌ها بهتر است از بزرگان خودشان استفاده کنند». این نقل قول به صورت غیرمستقیم تکذیب شد اما واکنش علی تاجرنیا قابل توجه بود. او در یک برنامه تلویزیونی با لحنی افشازانه گفت برخی افراد که با باشگاه گفت‌وگو کرده‌اند، حلال‌مدعی شده‌اند پاسخ منفی داده‌اند. وقتی از او پرسیده شد منظورش یحیی گل محمدی است، پاسخ مستقیم‌ی نداد اما توضیح داد بعضی گزینه‌ها حاضر نبودند برای اهداف مشخص تعهد بدهند. این موضوع گیری، فضای داستان را پیچیده‌تر کرد؛ زیرا تصویر مذاکره‌ای جدی را القا می‌کرد.

واقعیت چه بود؟

اکنون روایت تازه‌ای مطرح شده؛ اینکه یحیی گل محمدی اساساً وارد گفت‌وگو مستقیم با مدیران استقلال نشده و ارتباط در سطح مدیران‌نامه‌ها باقی مانده است. اگر این روایت درست باشد، شکل ارائه ماجرا در رسانه ملی تصویری متفاوت از واقعیت ساخته است. بسیاری از چهره‌های فوتبال از ابتدا معتقد بودند چنین انتقالی رخ نخواهد داد. سنن، سابقه و جایگاه یحیی گل محمدی در پرسپولیس اجازه چنین چرخشی را نمی‌دهد؛ حتی اگر او از نحوه جدایی‌اش دلخوار باشد. در نهایت، استقلال مسیر کهنه‌تر را انتخاب کرد و سهراب بختیاری‌زاده را روی نیمکت نشاند. این پرونده شاید بسته شده باشد اما یک پرسش همچنان باقی است: آیا مذاکره با یحیی گل محمدی صرفاً یک گزینه جدی بود یا ابزاری برای سنجش بازار و افکار عمومی؟ پاسخ هر چه باشد، استقلال با آتش بازی کرد؛ آتشی که اگر شعله می‌کشید، می‌توانست همه را بسوزاند. اشتباه بزرگ دیگری از تاجرنیا.

خبر

اعتراض تراکتور به رأی کمیته انضباطی

باشگاه تراکتور به رأی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال مبنی بر ۳ بر صفر شدن نتیجه بازی این تیم با شمس‌آذر اعتراض کرد.

رسانه رسمی باشگاه تراکتور در این مورد نوشت: «در پی رأی صادره کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال درباره دیدار جام حذفی تراکتور مقابل شمس‌آذر قزوین که بر اساس آن تیم تبریزی بازنده اعلام شده است، باشگاه تراکتور اعتراض رسمی خود را بلافاصله به کمیته استیناف ارائه کرده و در صورت لزوم، موضوع را از طریق دادگاه عالی ورزش (CAS) پیگیری خواهد کرد. حکم مذکور به باشگاه ابلاغ شده و این در حالی است که دفاعیات باشگاه، مکاتبات و مستندات ارائه‌شده از جمله نامه‌ها و پیگیری‌های انجام‌شده مراجع خارج از فدراسیون در رأی صادره مورد توجه و لحاظ کافی قرار نگرفته است. باشگاه تراکتور ضمن اعلام اعتراض رسمی به این تصمیم، لایحه دفاعیه و کلیه مستندات مرتبط را جهت رسیدگی مجدد و اتخاذ تصمیم مقتضی، به کمیته استیناف ارسال کرد. همزمان، با فرض عدم حصول نتیجه عادلانه در فرآیند رسیدگی داخلی فدراسیون، باشگاه در حال تکمیل و آماده‌سازی پرونده و مستندات لازم برای طرح شکایت در دادگاه عالی ورزش (CAS) است تا در صورت تأیید رأی در مرحله استیناف، از حقوق قانونی باشگاه و هواداران در مراجع بین‌المللی صیانت کند. مستندات باشگاه تراکتور به‌صورت کامل، شفاف و مستند نشان می‌دهد دیدار مذکور می‌بایست مجدداً برگزار شود، چرا که عدم برگزاری مسابقه ناشی از مقتضیات زمانی و شرایط اضطراری و «فورس‌ماژور» بوده است. باشگاه تراکتور با جدیت و تا حصول نتیجه و احقاق حق قانونی، این پرونده را از مسیرهای قانونی داخلی و بین‌المللی پیگیری خواهد کرد.»

تلاش ۶ مدعی بقادر لیگ برتر در گرداب پایین جدول

در انتظار آسانسور



ردیف	تیم	بازی	نقاط	امتیاز
۱	استقلال	۲۱	۱۲	۳۸
۲	سپاهان	۲۱	۱۱	۳۸
۳	تراکتور	۲۱	۱۷	۲۶
۴	گل‌گهر	۲۲	۱	۲۶
۵	پرسپولیس	۲۲	۴	۲۶
۶	چادرملو اردکان	۲۱	۶	۲۲
۷	فجر سیستان	۲۲	-۱	۲۰
۸	خیبر خرم‌آباد	۲۲	-	۱۹
۹	ملوان	۲۲	-۸	۱۹
۱۰	فولاد	۲۱	۳	۲۸
۱۱	استقلال خوزستان	۲۲	-۷	۲۵
۱۲	سپان	۲۲	-۳	۲۲
۱۳	شمس‌آذر قزوین	۲۲	-۳	۲۲
۱۴	اومینیوم اراک	۲۲	-۷	۲۲
۱۵	دوب آهن	۲۱	-۷	۱۹
۱۶	مس رفسنجان	۲۲	-۱۶	۱۵

غیر این صورت بازگشت به محدوده سقوط دور از ذهن نیست. **ذوب‌آهن؛ تعویض روی نیمکت**  
ذوب‌آهن با ۱۹ امتیاز شرایط شکننده‌تری دارد. برکناری قاسم حدادی‌فر و حضور جلال امیدیان شوکی مدیریتی بود که هنوز اثر کاملش مشخص نشده. در ۳ بازی اخیر یک برد و ۲ شکست ثبت شده؛ آن هم در شرایطی که تیم در برخی مسابقات با اخراج بازیکن کار را سخت‌تر کرد. ۲ دیدار آینده برابر پرسپولیس و ملوان برنامه‌ریزی شده؛ نخست در اصفهان و سپس اهلی. اندوخته نیم‌فصل اول تنها یک امتیاز بود. فاصله ۳ امتیازی تا منطقه امن، عدد بزرگی نیست اما وقتی تقویم دشوار باشد، همین فاصله هم کوه به نظر می‌رسد. گاندها باید انضباط را به زمین برگردانند؛ زیرا هر کارت قرمز، یک قدم به سقوط نزدیک‌ترشان می‌کند.

مس رفسنجان؛ نیاز به شگفتی

مس رفسنجان با ۱۵ امتیاز، بیشتر از بقیه در لبه پرتگاه ایستاده است. ۷ امتیاز فاصله با خط نجات در حالی که تنها ۸ هفته تا پایان باقی مانده، معادله‌ای پیچیده می‌سازد. محتجبی جباری پس از برد ارزشمند مقابل پیکان امیدهایی ایجاد کرد اما شکست برابر استقلال دوباره واقعیت را یادآور شد. دیدار با اومینیوم در خانه، حکم آخرین فرصت را دارد. فقط پیروزی می‌تواند چراغ امید را روشن نگه دارد. سپس سفر به یزد و تقابل با چادرملو اردکان در پیش است؛ مسابقه‌ای که شاید سرنوشت فصل را تعیین کند. در نیم‌فصل اول تنها یک امتیاز از این ۲ بازی نصیب نارنجی‌پوشان شد. اگر قرار است معجزه‌ای رخ دهد، از همین هفته باید آغاز شود.

پایین جدول لیگ برتر حالا بیش از هر زمان دیگری ملتهب است. اختلاف‌ها کم، فشارها زیاد و اشتباه‌ها گران. ۵ تیم هنوز می‌توانند با چند نتیجه مناسب از این گرداب فاصله بگیرند اما برای مس رفسنجان قسه متفاوت است. آنها نه تنها باید برنده شوند، بلکه باید منتظر لغزش دیگران هم بمانند. اینجا جایی است که اعصاب، شخصیت و جسارت سرنوشت را می‌نویسد. سقوط یا نجات؛ انتخابی است که در همین ۸ هفته رقم می‌خورد.

قهرمانی است و کوچک‌ترین لغزش را برنمی‌تابد اما دقیقی نشان داده تیمش در متوقف کردن بزرگان تخصص دارد. اگر پیکان بتواند از این دیدار امتیاز بگیرد، نه‌تنها فاصله‌اش با منطقه قرمز را بیشتر می‌کند، بلکه پیام مهمی هم به رقیب‌های فرستند پس از آن سفر به شیراز و دیدار با فجر شهید سپاسی در انتظارشان است؛ مسابقه‌ای که ۶ امتیازی است. نیم‌فصل اول فقط یک امتیاز عاید پیکان شد. حالا زمان جبران است؛ زمانی که هر توپ برگشتی می‌تواند سرنوشت یک فصل را عوض کند.

اومینیوم؛ آرامش شکننده

اومینیوم اراک با هدایت سیدمجتبی حسینی کم‌کم از توفان فاصله گرفته. ۴ بازی بدون شکست، ۳ مساوی و یک برد، تیم را به عدد ۲۲ رسانده اما این آرامش، سطحی است.

دیدار آینده مقابل مس رفسنجان یک نبرد حیاتی محسوب می‌شود؛ مسابقه‌ای که نتیجه‌اش می‌تواند یکی را بالا بکشد و دیگری را دفن کند. پس از آن استقلال سهراب بختیاری‌زاده در اراک حاضر می‌شود؛ تیمی که صدر جدول را می‌خواهد و برابر تیم‌های پایین‌نشین بی‌ملاحظه بازی می‌کند. در دور رفت، سهم اومینیوم از این ۲ روبرویی فقط یک امتیاز بود. اگر حسینی می‌خواهد تیمش به ساحل امن برسد، باید از همین هفته‌ها اندوخته جمع کند؛ چون در هفته‌های پایانی، استرس جای فوتبال را می‌گیرد.

شمس‌آذر؛ سختی پشت سختی

شمس‌آذر قزوین نیز ۲۲ امتیازی است اما روندش نگران‌کننده‌تر به نظر می‌رسد. شاکر گران و وحید رضایی در ۳ هفته اخیر یک شکست، یک تساوی و دوباره یک شکست را تجربه کرده‌اند. تلاش هست، چنگدنگی هست اما نتیجه کافی نیست. ۲ مسابقه آینده برای سبزپوشان کابوس‌وار است؛ ابتدا فولاد در قزوین و سپس سپاهان در اصفهان. تقابل با تیم‌های قدرتمند در چنین مقطعی، جسارت می‌خواهد. در نیم‌فصل نخست شمس‌آذر موفق شد فولاد را در خانه‌اش شکست دهد و برابر سپاهان با یک گل مغلوب شد. حالا تکرار آن سناریو شاید سخت باشد اما ناممکن نیست. اگر رضایی بتواند از این گره عبور کند، تیمش روحیه‌ای مضاعف خواهد گرفت؛ در

پایین جدول لیگ برتر این روزها شبیه میدان مین است؛ هر قدم اشتباه مساوی است با فرورفتن در تاریکی. فاصله‌ها آنقدر کم شده که یک پیروزی می‌تواند تیمی را از لبه پرتگاه جدا و یک لغزش، همه نقشه‌ها را دود کند. تا پیش از این تصور می‌شد فولاد هم جزو فائوس به دست‌ها باقی بماند اما نتایج هفته‌های اخیر معادله را جابه‌جا کرد. حالا ۶ تیم با اضطراب، هر هفته را مثل فینال دنبال می‌کنند. از استقلال خوزستان گرفته تا مس رفسنجان؛ همه درگیر جنگی فرسایشی‌اند که پایشان یا آرامش است یا سقوط.

استقلال خوزستان؛ فرصت در خانه

امیر خلیف‌فصل تیمش را در مقطعی از فصل به ریل ثبات رساند. ۲ برد پیاپی و ۳ هفته بدون شکست، نشانه‌هایی از خروج از بحران بود اما شکست برابر سپاهان، آن هم با ۳ گل، یادآور شد هنوز هیچ چیز قطعی نیست. ۲۵ امتیاز برای استقلال خوزستان یعنی نفس کشیدن در هوای مرزی.

نکته مهم برای آبی‌های اهوازی این است که ۲ مسابقه آینده را در خانه برگزار می‌کنند. ابتدا ملوان به اهواز می‌آید و سپس داری خوزستان در فولاد اراک برگزار می‌شود. هر ۲ رقابت از تیم‌های منظم نیمه میانی جدولند؛ نه آنقدر بی‌انگیزه که امتیاز بدهند و نه آنقدر بی‌رحم که دست‌نیاقتی باشند. در نیم‌فصل اول استقلال خوزستان از این ۲ جدال تنها یک امتیاز گرفت. حالا اگر می‌خواهد از دایره اضطراب فاصله بگیرد، باید حداقل ۴ امتیاز جمع کند. بازی در خانه یک امتیاز ویژه است اما در پایین جدول هیچ امتیازی هدیه نمی‌شود.

پیکان؛ بدشانسی اما زنده

پیکان سعید قیقی با ۲۳ امتیاز درست لب خط ایستاده است. ۳ مسابقه اخیر برای خودروسازان حکم شکنجه داشت؛ نمایش‌های قابل قبول بدون پاداش کافی. تنها یک امتیاز از ۹ امتیاز ممکن، نتیجه‌ای است که روحیه هر تیمی را می‌فرساید. اکنون تقابل با سپاهان پیش‌روست؛ تیمی که در کورس

خروج دستیار ایتالیایی قلعه‌نویی و بلاتکلیفی نیمکت تیم ملی

معمای مانیکونه

کرده. مانیکونه تنها یک عضو معمولی کادر نبود؛ او بازی فنی قلعه‌نویی محسوب می‌شد و در طراحی تمرینات و آنالیز رقیب نقش کلیدی داشت. اگر بازگشتی در کار نباشد، تیم ملی باید خیلی زود تکلیف نیمکتش را مشخص کند. اردوها، بازی‌های پیش رو و برنامه‌ریزی‌های فنی نیازمند ثبات است. بلاتکلیفی، بزرگ‌ترین دشمن یک پروژه ملی است.

سناریوهای پیش رو

۳ مسیر محتمل وجود دارد؛ نخست، بازگشت مانیکونه و حل اختلافات پشت درهای بسته. دوم، قطع همکاری رسمی و معرفی دستیار جدید با نظر مستقیم قلعه‌نویی. سوم، ادامه همین وضعیت معلق که بیش از همه به ضرر تیم ملی خواهد بود.

واقعیت این است که زمان به سود هیچ‌کس حرکت نمی‌کند. اگر مانیکونه قصد ماندن در ایتالیا را داشته باشد، اعلام رسمی این تصمیم می‌تواند تکلیف را روشن کند. اگر هم بازگشت در دستور کار باشد، باید هر چه سریع‌تر اجرایی شود. فوتبال ملی جایی برای ابهام‌های طولانی ندارد. حالا توپ در زمین فدراسیون فوتبال و امیر قلعه‌نویی است؛ تصمیمی که می‌گیرند نه تنها سرنوشت یک دستیار، بلکه وضعیت نیمکت تیم ملی را تعیین خواهد کرد.

زمانی دارد، می‌تواند انتخابی منطقی از نگاه حرفه‌ای باشد اما سؤال این است: آیا قرارداد و تعهدات قبلی اجازه چنین تصمیمی را می‌دهد؟

نقش قلعه‌نویی در معادله

نکته مهم‌تر، جایگاه امیر قلعه‌نویی در این داستان است. محمدنبی گفته در صورتی که سرمربی تیم ملی درخواست کند، فدراسیون برای جذب جایگزین اقدام خواهد کرد اما جمله بعد او عجیب‌تر است: هنوز درباره این موضوع گفت‌وگویی با قلعه‌نویی انجام نشده است.

چگونه ممکن است مهم‌ترین دستیار فنی تیم ملی حدود یک ماه وضعیت نامشخص باشد و میان سرمربی و مدیران جلسه‌ای برگزار نشود؟ این پرسشی است که ذهن بسیاری را درگیر کرده.



ابهام درباره ماجرای درگیری در تمرین پرسپولیس

وقت انکار نیست



نیز در زمان خود به‌طور گسترده رسانه‌ای شد و از دید افکار عمومی پنهان نماند. **اوسمار در میانه میدان**  
نقش ویرا در این پرونده مهم است. وقتی سرمربی تصمیم می‌گیرد ۲ بازیکن را از تمرین کنار بگذارد، یعنی اتفاقی فراتر از یک سوءتفاهم ساده رخ داده. چنین تصمیمی معمولاً پیام انضباطی دارد؛ پیامی برای رختکن و حتی بیرون از آن. اگر واقعا اصل بر نظم تیمی است و «بازیکن‌سالاری» جایی در پرسپولیس ندارد، بهترین راه اثبات آن شفافیت است. نه با

اگر هم اتفاقی بوده، چرا توضیح شفاف ارائه نشد؟ هواداری که تیمش را دنبال می‌کند، حق دارد بداند کنار گذاشتن ۲ بازیکن از تمرین به چه دلیل بوده است. پنهان شدن پشت واژه‌هایی مثل «حل مسائل درون خانواده» شاید در کوتاه‌مدت کارساز باشد اما در بلندمدت اعتماد را فرسایش می‌دهد.

جالب آنکه در متن بیانیه، اشاره‌ای غیرمستقیم به حواشی دیگر تیم‌ها دیده می‌شود؛ انگار قرار است با یادآوری ماجرای شجاع خلیل‌زاده و دراکان اسکوچیچ در تراکتور، اتفاق احتمالی در پرسپولیس عادی جلوه داده شود. حال آنکه همان ماجرا

ماجرای آنتونیو مانیکونه تبدیل به یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های این روزهای فوتبال ایران شده است. دستیار ایتالیایی امیر قلعه‌نویی که بی‌سر و صدا از تیم ملی جدا شد، حالا روی نیمکت



پیزا در سری آ دیده می‌شود. تصویری که در دیدارهای پیزا برابر ورونا و میلان ثبت شد، عملاً نشان داد او مسیر حرفه‌ای‌اش را عوض کرده اما در تهران هنوز همه چیز در حالت تعلیق است.

۳ هفته از حضور مانیکونه در ایتالیا می‌گذرد اما در ساختمان فدراسیون فوتبال امید به بازگشتش زنده مانده. همین دوگانگی، وضعیت عجیبی ساخته؛ نه جدایی رسمی اعلام شده و نه همکاری ادامه دارد. سکوت ابتدایی درباره این رفت‌وآمد، ابهام را چند برابر کرد و حالا هر جمله‌ای از سوی مدیران، پرسش تازه‌ای می‌سازد.

نامه‌ای که جنجال شد

آنچه مهدی تاج روایت کرده، شروع این داستان است؛ نامه‌ای از سوی مانیکونه به مهدی محمدنبی که در آن به شرایط کشور اشاره و درخواست قطع همکاری مطرح شده است. فدراسیون این استدلال را نپذیرفته و رئیس فدراسیون

پرسپولیس باز هم به جای توضیح روشن، سراز متن رسمی رفت؛ متنی که قرار بود التیام را بخواباند اما خودش به سوزهای تازه تبدیل شد. ماجرای تنش میان سروش رفیعی و محمدامین کاظمیان در یکی از جلسات تمرینی و تصمیم اوسمار ویرا برای کنار گذاشتن ۲ بازیکن، موضوعی نبود که بتوان آن را با چند جمله کلی مدیریت کرد. با این حال، باشگاه ترجیح داد مسیر همیشگی را برود؛ صدور بیانیه‌ای پر از کنایه و فاقد پاسخ صریح.



در شرایطی که هوادار انتظار دارد بدانند دقیقاً چه رخ داده، متن منتشر شده بیشتر به گلابه از فضای رسانه‌ای پرداخته تا اصل ماجرا. انگار مساله نه درگیری احتمالی در تمرین، بلکه بزرگ‌نمایی رسانه‌هاست. این همان نقطه‌ای است که پرسش‌ها آغاز می‌شود.

سکوت در متن شلوغ

باشگاه در اطلاعیه خود؛ «شایعات» گفت؛ از «هدف گرفتن آرامش تیم» نوشت و حتی به اتفاقات سایر باشگاه‌ها اشاره کرد اما هیچ اشاره مستقیمی به رفیعی، کاظمیان یا تصمیم اوسمار نکرد. گویی اصل ماجرا قرار نیست تأیید یا تکذیب شود، بلکه باید در میان واژه‌های کلی گم شود. اگر درگیری رخ ندهد، چرا تکذیب روشن منتشر نشد؟